دیدنی‌های تهران در روزهای کریسمس

سعید برآبادی: نه خبری از برف نشسته روی کاج‌ها هست و نه ردی از سورتمه، اما در تهران، کریسمس در چندخیابان ارمنی‌نشین و چندکلیسای قدیمی شهر زنده است. عبادتگاه‌های مسیحی آذین‌بندی شده‌اند و سوز هوا خیال را سمت شیروانی‌های آراسته به صلیب می‌برد. کلیساها با ساختمان‌های گوتیک‌شان در هرمحله‌ای که باشند، شهره‌اند به مردم‌دوستی و ارتباط با اهالی و در آن سوی در، جایگاهی برای عبادت خدای واحد، صدای دعاخوانی، نقاشی‌های رنگ و روغن در سایزهای بزرگ و پنجره‌هایی که نور را عمودی به صندلی‌های چرمی می‌تابانند. تاریخ مسیحیت در تهران، قدمتی چندصدساله دارد و نشانه‌اش هم همین کلیساهایی هستند که از دوره قاجار تا امروز به جزیی از زندگی روزمره تهرانی‌ها بدل شده‌اند. نگاهی به آنها، مواجهه با پایتختی متفاوت است که در آن گفت‌وگوی بین ادیان حتی در کوچه‌ها نیز جاری است.

کلیسای سورپ گئورگ

زیر بازارچه سرپوشیده قوام‌الدوله، روزگاری محله اصلی‌ای به نام ارمنه وجود داشت. اگرچه امروز، ارامنه در بسیاری از نقاط تهران پراکنده شده‌اند و به همین خاطر در همه جای شهر کلیساهایی یافت می‌شوند، اما در آن روزگار، بازارچه قوام‌الدوله یک پایگاه مهم برای مسیحیان داشته؛ «کلیسای سورپ گئورگ» یا همان گئورگ مقدس. راسته خیابان حافظ را باید پیمود و از میان شلوغی‌های چندتقاطع مهم گذشت تا در داخل بازارچه قوام‌الدوله، باقی‌مانده قدیمی‌ترین کلیسای تهران را دید. قدمت این کلیسا را مربوط به دوره صفویه می‌دانند و آنچنان که در رسوم مسیحی اشاره شده، هفته اول مهرماه هرسال، این کلیسا یکی از کلیدی‌ترین ابنیه مذهبی آنها به حساب می‌آید. شرلی آودیان، سرپرست موزه ارمنیان تهران برای نشان‌دادن اهمیت این کلیسا به محراب آن اشاره می‌کند که نخست محرابی روستایی بوده و وقتی که در سال۱۲۱۴شمسی، بنای اولیه آن را تخریب کرده‌اند، کلیسایی که امروز روبه‌روی مخاطب است، سر از خاک بیرون آورده. داخل کلیسا، نمازخانه‌ای با طاق بلند، ردیف ستون‌ها، یک دهانه طاق‌چشم در وسط و دودهانه در طرفین آن یادآور معماری دوره ساسانی است و طاق‌های نیم‌گرد آن از تلفیق این معماری با معماری اسلامی خبر می‌دهد. اگر قرار است در همین روزهای کریسمس به این کلیسا سری بزنید، باید بعد از عبور از بازارچه قوام‌الدوله که حالا نام طرفانی به خود گرفته، از محله درخونگاه یا همان کوچه مغفوری هم عبور کنید و این تجربه مضاعفی است برای آنها که دنبال کلیساهایی در جنوب شهر می‌گردند.

کلیسای حضرت‌مریم

پس از ازدحام خیابان جمهوری، جمعیت آدم‌ها و ماشین‌ها در خیابان میرزاکوچک‌خان کمتر و کمتر می‌شود تا در کنار پیاده‌رو، تابلوی کلیسای حضرت‌مریم به چشم بیاید؛ یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای مهم تهران که در سال۱۳۲۴ توسط «رومان عیسی یان» ساخته شد. اما دیوارهای آجری بنا یادآوری می‌کنند پای مارکوف معمار اینجا هم باز شده است؛ همان معماری که در روزگار رضاخان، زندان قصر و بسیاری از بناهای مهم و مشهور زمان خود را ساخت. می‌گویند در این کلیسا روزگاری، اسقف اعظم ارامنه جلوس می‌کرده و شاید احترام و اهمیت آن در میان تهرانی‌ها به خاطر همین باشد. جدای از این موضوع، رودرروی کلیسای حضرت‌مریم، بنایی زرتشتی است و کنار هم قرارگرفتن آنها، تکرار صادقانه همراهی ادیان در پایتخت ایران است. داخل کلیسا درست در روزهای نه‌چندان سرد کریسمس امسال، شور و غوغایی برپاست و ارامنه یاد بانی آن را در هرورود و خروجی تازه می‌کنند.

کلیسای نیکلاس مقدس

نامش را به احترام تزار روس، سنت نیکلاس گذاشته‌اند و هنوز هم از مهم‌ترین معابد ارتدوکس‌شرقی به حساب می‌آید. وقتی که خیابان طالقانی به خیابان مفتح برمی‌خورد؛ ضلع جنوب شرقی آن، سکونتگاه یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای در بسته پایتخت می‌شود. «کلیسای نیکلاس مقدس» یکی از آن کلیساهای فاخر تهران است؛ چه به‌لحاظ معماری منحصر به‌فردش و چه به لحاظ تاریخی. پنجره‌های رنگی و کشیده این کلیسا، دوباره معماری مارکوف را به خاطر می‌آورند و او باید چه عشقی کرده باشد که ۷۳سال پیش- پس از مهاجرت از روسیه- برای روس‌های مهاجر به ایران، کلیسا بسازد. شاید به همین دلیل است که شکل متفاوت بنا مخاطب را به وجد می‌آورد و اگرچه امروز چندان قابل دسترسی نیست، اما هنوز یکی از مهم‌ترین بناهای دیدنی پایتخت است. شیرانی، سرپرست کلیسای نیکلای مقدس یادآوری می‌کند پس از تخریب کلیسای زرگنده در سال‌های حکومت استالین، مهاجران روسیه، هرچه از اشیای مهم و باارزش آن کلیسا بوده را به اینجا آورده‌اند و لوسترها، تابلوهای بزرگ عیسی‌مسیح که آذین‌کننده این کلیسا هستند، یادآور همان روزگارند.

کلیسای حضرت‌توما

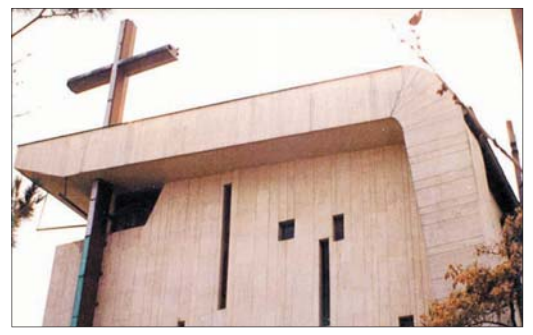

برخلاف عموم کلیساهای تهران که همگی یک شکل و آشنا به چشم هستند، برای دیدن یک کلیسای متفاوت باید تا خیابان کارگرشمالی راه بروید. در خیابان باریک خسرو، بنایی متفاوت چشم‌تان را برای لحظه‌هایی مردد می‌کند؛ اینجا کلیساست یا خانه‌ای قدیمی و یک طبقه برای مسیحیان؟ کلیسای حضرت‌توما، کلیسای آشوریان پروتستان تهران است. وقتی قرارداد آن را با داوید اوشانا می‌بستند، اوشانا، معمار جوانی با ایده‌های ناب و البته یک ایرانی آشوری بود. او سال۱۳۳۸، نتیجه کار خود را تحویل داد و هنوز هم بسیاری از دیدن آن تعجب می‌کنند چرا که اصول طراحی آن شباهتی غریب به معماری مدرن اروپایی دارد و در عین‌حال، روح مذهب حتی در حیاط آن روی پوست احساس می‌شود.

کلیسای سرکیس مقدس

در تهران، نماد فرهنگ مسیحی را به شکل ساده‌ای می‌توان در خیابان کریمخان دید. کلیسای «سرکیس‌مقدس» با برج‌ها و باروهای سفیدرنگش، از دور پیداست؛ بنایی که «مارگار سرکیسیان» خیر هزینه ساختش را پرداخت و مهندس آفتاندیلیان معماری‌اش را در پایتخت ماندگار کرد. قدمت بنا آنقدر هست که به همراه اکثر کلیساهای تهران در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده باشد، اما آنچه کلیسای سرکیس مقدس را با دیگر کلیساهای تهران متفاوت می‌کند، اهمیت آن درست در همین روزهای کریسمس است. زیر گنبد سر به فلک‌کشیده نمازخانه که از شیشه‌های رنگی ساختمان، آفتاب کم‌رمق زمستانی را به درون می‌کشد، شادی و شادمانی برای کریسمس برپاست.

دسته‌دسته مسیحیان وارد کلیسا شده و با اهدای گل و شمع به همدیگر روزهای عید را تبریک می‌گویند. اما زیبایی این بنا با نقاشی‌هایی که بر در و دیوارش است، دوچندان می‌شود؛ در دیوارهای بالای محراب صحنه‌هایی از انجیل به قلم نقاشان بنامی، تصویر شده و ناخودآگاه در هرجای بنا که قرار بگیرید، می‌توانید بنای یادبود شهدای کشتار ارامنه را ببینید که در کنار مقبره اسقف فقید «آرداک مانوکیان» خلیفه پیشین ارامنه تهران قرار گرفته است.

کلیسای تاتاووس

محله قدیمی و پرخاطره چاله‌میدان دردانه‌ای از تاریخ مسیحیت تهران را در خود جا داده؛ «کلیسای تاتاووس»؛ کلیسایی که یکی از قدیمی‌ترین و باشکوه‌ترین کلیساهای تاریخی تهران محسوب می‌شود و به خاطر وجود مقبره بسیاری از شخصیت‌های ارمنی و مسیحی یکی از مهم‌ترین وعده‌گاه‌های مومنان این کیش آسمانی در ایام عید کریسمس است. می‌گویند در زمان فتحعلی‌شاه قاجار اجازه ساخت این کلیسا در چاله‌میدان صادر شد و برای آنکه تزییناتش بی‌نظیر باشد از بهترین نقاشان در کار ساخت آن استفاده شد.

با اینکه مساحت کلیسای تاتاووس از ۲۲۰مترمربع تجاوز نمی‌کند، اما به خاطر برگزاری مراسم تدفین مسیحیان در آن، یکی از کلیساهای پرمراجع تهران بوده و هست. یکی از مهم‌ترین خاطره‌های این کلیسا که مدام نقل می‌شود، خاطره‌ای مربوط به ۴۰سال پیش است که روزی در اواسط بهمن‌ماه، بخشی از گچ دیوار فروریخته و نقاشی‌های مدفون‌شده زیر گچ نمایان شده است. می‌گویند در این نقاشی‌ها، سفرای روسیه و انگلستان، شاهزاده گرجستان و فرزند سروالتر اسکات -نویسنده انگلیسی- به تصویر درآمده بودند.

کلیسای تادیوس بارتوقیموس مقدس

با اینکه کلیسای «تادیوس بارتوقیموس مقدس» از مهم‌ترین کلیساهای جنوب شرقی تهران است و مرجعی مهم برای میسحیان داخل و خارج شهر، تا به حال کمتر به آن پرداخته شده است. پیش از آنکه تهران به آبادانی روزهای بعد از قاجار نزدیک شود، برنامه‌ریزی اصلی شهر، پیشرفت به سمت ری و بارگاه ملکوتی حضرت‌عبدالعظیم بود و به همین دلیل بخش مهمی از مسیحیان تهران و اطراف نیز در این منطقه ساکن بودند. شاید به همین خاطر بود که ۱۰خانواده ارمنی دست‌به‌دست هم دادند تا در همان روزگار، در نزدیکی دروازه حضرت‌عبدالعظیم، کلیسایی بنا کنند که امروز با گذشت نزدیک به ۲۰۰سال هنوز پابرجاست. کلیسای تادیوس بارتوقیموس مقدس بعدها به این خاطر به شهرت رسید که سازندگان آن شیشه‌برانی بودند که فتحعلی‌شاه آنها را از اصفهان برای تهیه شیشه‌های کاخ گلستان به پایتخت آورده بود و همین موضوع بهانه‌ای شد تا از آن به‌عنوان یکی از زیباترین شیشه‌کاری‌های تهران یاد شود. رسم گذشته، اقتضا می‌کرد مسیحیان تهرانی در این کلیسا تدفین شوند اما بعدها این رسم تغییر کرد و به کلیسای دیگری واگذار شد. امروز از آن‌همه خاطره، کورسویی باقی مانده و کلیساهای شمال شهر، شلوغ‌تر از چنین کلیسای قدیمی‌ای هستند اما مردم محلی، دوستانه از بنای آن یاد می‌کنند و تقریبا محال است از قدیمی‌ها کسی آدرسش را بلد نباشد.

دریچه

کلیسای گئورگ‌مقدس؛ مامنی برای سالمندان

کلیساها در طول نزدیک به صدسال حضور در تهران نیاز به حمایت جدی و مراقبت‌های میراثی دارند.

در این میان برخی از این کلیساها به دلیل عدم توجه سازمان میراث فرهنگی، دچار آسیب‌های جدی شده‌اند و در این میان کلیسای گئورگ‌مقدس جایگاه ویژه‌ای دارد؛ کلیسایی از روزگار صفوی که حالا به خانه‌ای برای سالمندان ارمنی بدل شده اما این کاربری جدید نباید مانع از توجه به ساختار و ساختمان آن شود.

کلیسای گئورگ‌مقدس سال‌هاست در بی‌توجهی مسوولان، به مرگ و نیستی نزدیک‌ونزدیک‌تر می‌شود. بخش‌های مختلف آن شرایط اضطراری پیدا کرده و نیازمند مرمت و بازسازی است. مسوولان میراث فرهنگی تهران اما به‌هیچ‌کدام از مکاتبه‌های سرپرست موزه ارمنیان تهران پاسخی نمی‌دادند.

کلیسای سورپ‌گئورک مقدس تهران، تاریخی به قدمت صفوی دارد؛ بنایی در خیابان وحدت اسلامی، بازارچه قوام‌الدوله؛ بنایی که در ۱۹ تیر ۵۷ بخشی از بناهای فهرست میراث فرهنگی شده است. حالا آخرین بازدید احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر از این بنا حکایت از شرایط نامناسبی دارد. محراب در حال تخریب است. سنگ‌قبرهای مرمر در حصار دیوارها پشت صندلی‌ها پنهان شده است. بخش‌های مختلف بنا در حال فروریزی است.

هرچند که شرلی آودیان، سرپرست موزه ارمنیان تهران خبر از آغاز مرمت و بهسازی این کلیسا می‌دهد؛ مرمتی که می‌تواند بار دیگر این بنا را زنده نگه دارد اما او شاکی از آن است که مسوولان میراث فرهنگی تهران تنها در مناسبت‌ها یاد کلیساها می‌افتند اما طی دوسال گذشته به مکاتبات ما هیچ پاسخ مشخصی نداده‌اند.

رجبعلی خسروآبادی، رییس میراث فرهنگی تهران اما در بازدید از این بنا باز هم بحث نبود اعتبارات اداره میراث فرهنگی تهران را مطرح می‌کند و اینکه با این اعتبارات نمی‌توان کار جدی انجام داد. آودیان می‌گوید که دوسال است با میراث فرهنگی استان تهران در حال مکاتبه هستیم. به طوری‌که پروسه خسته‌کننده‌ای شده است. در تمام استان‌های ایران ما توانستیم کلیساهایی که نیازمند مرمت اضطراری است را بازسازی کنیم اما در تهران به هیچ نتیجه مشخصی نرسیدیم.

او با اظهار ناراحتی از اینکه مسوولان تنها در مراسم میلادمسیح به یاد ما می‌افتند، می‌گوید که متاسفانه تاکنون مکاتبه‌ها و تماس‌های ما با میراث فرهنگی تهران به نتیجه مشخصی نرسیده است.

او در مورد اعتبار مورد نیاز برای مرمت این بنای مقدس تاریخی عنوان می‌کند که این بنا اعتباری در حدود ۱۲۰میلیون‌تومان نیاز دارد. به گفته آودیان، آنقدر بی‌توجهی از سوی مسوولان مربوطه ادامه پیدا کرد که ما برای اینکه بتوانیم این بنای تاریخی را نجات دهیم، هیات راهبردی برگزار کردیم و از خلیفه‌گری برای مرمت این بنای مقدس کمک گرفتیم.

کلیسای گئورگ‌مقدس چندسال است که تبدیل به خانه سالمندانی برای ارامنه شده است؛ بنایی که شرایط خاصی دارد و بخش‌هایی از آن به‌شدت آسیب دیده است. حالا این جان‌پناه بیش از هر زمانی نیازمند مرمت و احیاست.

مراکز مذهبی و به‌ویژه کلیساهای تهران و در میان آنها، بناهایی که قدیمی‌تر و به لحاظ تاریخی واجد ارزش‌های مهم میراثی هستند، از سرمایه‌های پایتخت به حساب می‌آیند و به نظر می‌رسد، سازمان میراث فرهنگی باید به آن‌ها توجه ویژه داشته باشد.

نگاه

تهران و معماران مسیحی‌اش

رامتین فرزاد . کارشناس معماری

تهران برخی از بهترین بناهای خود به‌ویژه در ناحیه مرکزی شهر را که هنوز دیدنی‌ترین ناحیه شهر است، وامدار ایرانیان مسیحی است. در این ناحیه به غیر از میدان حسن‌آباد که با آن معماری دلپذیر هنوز از شکیل‌ترین میدان‌های شهر است، چندعمارت زیبای دیگر نیز وجود دارد که عبارتند از ساختمان پست، کاخ‌دادگستری، کاخ‌گلستان، بنای وزارت خارجه، بانک سپه، بانک ملی شعبه مرکز، باشگاه افسران، موزه ایران‌باستان، کاخ‌مرمر و شاید چندعمارت دیگر.

همه این عمارت‌ها به استثنای کاخ‌گلستان (از کارهای دوره قاجاریه) و موزه ایران‌باستان که طراح آن آندره گدار بوده است، کار ایرانیان مسیحی است. اگر این مجموعه را از وسط شهر تهران برداریم، چیزی جز کوچه‌پس‌کوچه‌های کم‌ارزش باقی نخواهد ماند.

میدان حسن‌آباد که بعدها یک ضلعش را بانک ملی خراب کرد، ولی با همان سه‌ضلع باقی‌مانده‌اش، یادآور معماری اروپایی و کار قلیچ باقلیان است (که عمارت شهربانی را هم ساخته است) اما مهندس محاسب آن، معمار برجسته ایران لئون تادوسیان بوده است؛ کسی که کاخ‌مرمر را هم به پایان برد. بر اساس سخنان حسین لرزاده که در گفت‌وگو با مسعود نوربخش نویسنده کتاب «تهران، به روایت تاریخ» گفته، داستان کاخ‌مرمر از این قرار است که نقشه کاخ‌مرمر را خود رضاشاه داده بود. اما معمارانی که دست‌اندرکار ساخت آن بودند، خیلی‌زود از کار اخراج شدند و ادامه کار به دست لئون تادوسیان داده شد و به سرانجام رسید. تادوسیان زاده تهران بود. عمارت عالی پستخانه را الگال گالستیانس، زاده جلفای اصفهان، ساخته است؛ بنای این عمارت در سال۱۳۰۷شمسی به مناقصه گذاشته شد و نیکلای مارکف، معمار گرجی، برنده آن شد، اما ساخت آن به دست گالستیانس انجام گرفت. عباس مسعودی که در سال۱۳۱۳شمسی گزارشی از عمارت پستخانه در روزنامه اطلاعات نوشته، الگال گالستیانس را سازنده آن معرفی کرده است. استاد لرزاده نیز روایت کرده که عمارت پست، کار الگال گالستیانس است. ساختمان وزارت خارجه در میدان مشق نیز کار دونفر از معماران مسیح است. طرح آن را گابریل گوریکیان داد؛ کسی که در استانبول زاده شد و همان سال (۱۹۰۰م) خانواده‌اش از بیم سختگیری‌هایی که بر مسیحیان در آن دیار شروع شده بود و به آوریل۱۹۱۵ ختم شد، به ایران آمدند و او را به ایران آوردند. تا ۱۰سالگی در ایران ماند. چندسال ابتدایی را در تهران خواند، تابعیت ایرانی گرفت و آنگاه راهی اروپا شد و زمانی که به دعوت رضاشاه به ایران بازگشت، معماری با شهرت جهانی بود. گوریکیان در بازگشت تنها چهارسال در ایران ماند (۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶) و باز راهی اروپا و آمریکا شد اما در آن چهارسال یادگارهایی از خود به‌جا گذاشت که تا قرن‌ها نام او را به‌عنوان یک ایرانی - چنان‌که خود می‌خواست - برقرار نگه می‌دارد. طرح ساختمان وزارت خارجه را او داد و هم‌میهن دیگرش، الگال گالستیانس ساختش را بر عهده گرفت. آن‌دو به اتفاق بنایی پی نهادند که هنوز از بهترین و کارآمدترین بناهای ناحیه مرکزی شهر تهران است. طرح کاخ دادگستری را نیز که از مهم‌ترین بناهای آن دوره است، گابریل گوریکیان داد. علاوه بر این از او طرح ساختمان وزارت صنایع را در کنار کاخ‌گلستان و چندویلا را که همان اول ورودش به تهران، به او سفارش شده بود، داریم. اگرچه نمی‌دانیم امروزه وجود دارند یا در تخریب‌های مدام شهر تهران از دست رفته‌اند؛ ویلاهای پناهی، خسروانی، نظام مافی، ملک اصلانی و فیروز. گابریل گوریکیان به همراه دومعمار دیگر از برجسته‌ترین‌ها در دوره خود بوده‌اند. آن دونفر دیگر پل آبکار و وارطان هوانسیان نام دارند. ساختمان مرکزی بانک سپه در میدان توپخانه و میهمانخانه دربند و طرح هتل فردوسی و هنرستان دختران در خیابان سوم اسفند (سرگرد سخایی) و کاخ‌اختصاصی (شهناز پهلوی) کار وارطان هوانسیان (زاده تبریز) و ایستگاه رادیو (بی‌سیم پهلوی) و مدرسه ناشنوایان باغچه‌بان و بسیاری از ادارات دارایی شهرستان‌ها کار پل آبکار (زاده تهران) است. اینها هریک حدود نیم‌قرن به ایران خدمت کرده‌اند و بناهای ساخت آنان تنها به همین تعداد که نام بردیم محدود نمی‌شود. در کنار اینها باید از یک مسیحی نامدار دیگر یاد کنیم؛ اوژن آفتاندیلیانس، زاده تبریز به سال ۱۲۹۲خورشیدی، که تالار فرهنگ و دبستان فردوسی (اداره آموزش‌وپرورش کنونی استان تهران) و وزارت فرهنگ و هنر (اکنون وزارت ارشاد اسلامی) و ساختمان اولیه فرودگاه مهرآباد و کلیسای سرکیس مقدس (کریمخان، نبش ویلا) و دبیرستان نوربخش (رضاشاه کبیر) همه از یادگارهای اوست.

در بین ساختمان‌های مدرن امروز تهران نیز بنای تالار رودکی، سینما متروپل، سینما گلدن‌سیتی، سینما نیاگارا، سینما دیانا و سینما کریستال را مسیحیان ساخته‌اند. تالار رودکی از بهترین و امروزی‌ترین بناهای شهر، کار همان اوژن آفتاندیلیانس است. سینما گلدن‌سیتی را هم که امروز سینما فلسطین نام دارد، او ساخته است. سینماهای متروپل، کریستال و دیانا از ساخته‌های وارطان هوانسیان است، اما سینما نیاگارا ساخته پل آبکار است. معماران مسیحی نه‌تنها بناهای مهم شهر تهران که بسیاری از بناهای مهم شهرهای دیگر را هم طراحی کرده و ساخته‌اند. تبریز یک خیابان اصلی دارد که امروز نامش امام‌خمینی است. این خیابان را اودیس اوهانجانیان طراحی کرد؛ معماری زاده ایروان که پس از الحاق ارمنستان به شوروی به ایران آمد.

ذکر این یادگارها در تمام شهرها این گزارش را دراز خواهد کرد. همین نمونه‌ها کافی است اما قلم برای دادن یک نمونه دیگر بی‌طاقتی می‌کند و آن شهر قم است. شعبه مرکزی بانک ملی، مصلای شهر و پایانه اتوبوس‌ها، دانشکده پزشکی و شاید بناهای دیگر هم حاصل فکر و نقشه مهندس گورگین است که نام اصلی‌اش گورگن پیچیکیان است؛ معماری متولد ولگاگراد که از ۱۷سالگی به ایران آمد و تا پایان در ایران زیست و در ایران به مهندس گرگین شهرت داشت. ژانت لازاریان که اطلاعات مربوط به بناهای قم از کتاب او «دانشنامه ایرانیان ارمنی» استخراج شده، می‌نویسد: «در سده اخیر بیش از ۱۵۰معمار ارمنی در ایران مشغول کار بوده‌اند یا از این کشور برخاسته و در خارج از آن به فعالیت پرداخته‌اند.» در همان کتاب می‌خوانیم که میهمانخانه رامسر و همچنین کاخ‌رامسر کار مهندس معمار هوانس غریبیان است. کلیساهای ایران نیز که از آن سوی آذربایجان تا اصفهان پراکنده‌اند و از آثار مهم تاریخی و مذهبی ایران به شمار می‌روند، طبعا کار دست مسیحیان ایران است. ژانت لازاریان می‌نویسد: «در هیچ‌کدام از کشورهای جهان (به غیر از ارمنستان) معماری ارمنی- مسیحی همچون ایران رشد نکرده و تنها در جلفای اصفهان در حال حاضر ۱۳کلیسا دایر است.کلیساهای دیگری نیز در شهرهای تهران، قزوین و... ساخته شده‌اند که از نظر معماری - مهندسی دارای ارزش شایسته‌ای هستند. در هرنقطه از کشور ایران که مسیحیان سکونت دارند، دست‌کم یک بنای تاریخی ارزنده بنا شده و ناگفته نباید گذاشت که امروز تمامی این بناها توسط میراث فرهنگی و با همکاری مهندسان مسیحی در حال مرمت و از حمایت بی‌دریغ دولت ایران برخوردار هستند.»

---

۳ ایرانی در زادگاه و زادروز مسیح

غلامرضا امامی

و عیسی چون در بیت‌لحم زاییده شد ناگاه مجوسی چند از ناحیه مشرق به اورشلیم آمده، گفتند: کجاست آن مولود؟ زانکه ما ستاره او را در طرف مشرق دیده‌ایم... .«انجیل‌متی»

ما را با مسیح پیامبر(مهر) پیوندی دیرینه و دیرپاست. در درازنای تاریخ از پس سد ستبر زمان، سیمای مقدس مریم را می‌نگریم؛ چهره‌ای به پاکی شبنم و به بلندای آسمان، تنها و غمگین کنار تنه‌درخت نخل خشکیده‌ای ایستاده است. در کتاب آسمانی ما، قرآن، سوره‌ای است به نام مریم و بارها این بانوی پاک، چهره آسمانی‌اش در این کتاب پاک نقش بسته است. حضرت زرتشت تولد مسیح را بشارت داده بود.

سالیان بسیاری است... قرن‌هاست که نقش آن سه‌ایرانی پاکنهاد در تالار مرکزی زادگاه مسیح - کلیسای بیت‌اللحم - دل و دیده از زایران و بینندگان می‌رباید... این سه‌ایرانی که شلوار و جامه‌ای ایرانی بر تن دارند و کلاهی نوک‌برگشته بر سر... بر سردر کلیسا با مهره‌های سنگی رنگی به روزگاران جاودان مانده‌اند:

خسرودوم که فلسطین را تسخیر کرد و تمامی یادگاران کهن را نابود کرد، از انهدام این اثر تاریخی ایرانی چشم پوشید... . آن سه‌ایرانی که حاکم زمانه، فرمان قتلشان را صادر کرد، هدایای خویش را تقدیم مریم و نوزادش مسیح کردند و شبانه به‌سوی ایران بازگشتند. بنابر تحقیق دانشور ایران‌شناس فرزانه، استاد فرانکو اومتو این سه‌نفر در ساوه درگذشتند... . مزار آنان را به سال۱۲۷۱ مارکوپولو زیارت کرد و نیز تا سال۱۲۸۸ (زمان دیدار نماینده پاپ، جوانی مونته‌کوروینو) این بنای چهارگوش برپا بود، اما اکنون گویا آن بنا در زیر توده‌ای خاک پنهان شده و باستان‌شناسان ما می‌توانند از این گنجینه کهن رمزوراز بگشایند.

ما را با مسیح و مسیحیان مهری دیرینه است... پیوندی پاک و پایدار، سال‌های بسیاری است که زادگاه

و زاده‌شدن مسیح به هنرمندی و چیره‌دستی در همه خانه‌ها، روستاها و شهرهای ایتالیا به نمایش درآمده و ساخته می‌شود؛ ماکتی که ایتالیایی‌ها آن را «پره‌سپه» می‌نامند... . من بیش از ۳۰سال در ایتالیا زیسته‌ام، این شاهکارهای شگفت را که به برکت ایمان و به شور و به شوق عشق پدید آمده، بسیار دیده‌ام. در زادروز آن پیامبر مهر و مدارا، زندگی دوهزارسال پیش در زادگاهش «بیت‌اللحم» آنچنان به زیبایی شکل می‌گیرد که بیش از هرسروده و داستان و نغمه‌ای دل می‌لرزد و دیده از شوق و عشق می‌گرید، در این بازآفرینی‌ها، مردان پارسی، دستاری زیبا و رنگین بر سر دارند و هدیه‌هایی بر دست. کمتر کسی درمی‌یابد که این مردان با هاله و هیبتی شرقی، پدران ایرانی ما هستند که به پیشواز مسیح، این راه دراز را پیمودند.

مسیح پیام‌آور آزادی، صلح، شادی و امید است. در آستانه سال نو میلادی از خدا می‌خواهیم که به نور پاک مسیح جهان روشن شود و شب ستم پایان گیرد. در زادگاه مسیح «فلسطین» هرروز کودکانی بی‌گناه، زنان و مردانی بی‌پناه در خون خویش می‌غلتند. از زمین و آسمان گلوله‌های ستم، جان بیگناهان را نشانه می‌گیرد. به نام دین، دخترکان به بردگی به‌نمایش گذاشته می‌شوند و چه‌بسیار سرها بریده بینی بی‌جرم و بی‌جنایت. مسیح جهان را به یاری ستم‌ستیزان فرامی‌خواند. مسیح می‌خواهد که در همه جهان جغد جنگ خاموش شود و کبوتر عشق و شادی و دوستی به پرواز درآید. قرن‌ها پیش پدران ما به شوق دیدار مسیح راه درازی را پیمودند و اکنون ما ایرانیان، فرزندان آنان که بسیاری‌مان مسلمانیم، برادرانه در کنار مسیحیان هم‌میهنمان قرن‌ها به آرامی و مهربانی زیسته‌ایم. از خدای مسیح می‌خواهیم که به مبارکی، درخت داد را پربار کند، گاممان را به راه او استوار دارد و نوید عشق را در دلمان سر دهد. از خرمای شادی، جانمان را شیرین کند و از چشمه گوارای آزادی و صلح و دادگری، جامی جهانیان را بنوشاند.

ایمان بیاوریم که به گفته حافظ:

فیض روح‌القدس ار باز مدد فرماید
دگران هم بکنند آنچه «مسیحا» می‌کرد